



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)
Razi University, Vol. 10, Issue 4 (40), Winter 2021, pp. 1-22

Re-reading of Persistence in the Sermons of Zaynab and Ashura Poetry of Elhami

Gholam Reza Haidari¹

Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

Khalil Baygzade²

Associate Professor of Persian of Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

Elyas Nooraei³

Associate Professor of Persian of Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 12/02/2018

Accepted: 01/19/2020

Abstract

The Kufa and Sham sermons of Hazrat Zainab (PBUH) are full of manifestations of stability against the rule of the Umayyad and they have had a great impact so Elhami Kermanshahi much that he brought the manifestations of stability in his poetry by relying on the sermons of Hazrat Zainab (PBUH). He has been well-versed in rhetorical language in the field of simile, and in quoting the words of the Holy Prophet (PBUH) as well as describing the Ashura scenes from Karbala to Sham, he has relied on the reliable historical sources. The present study has explored the principles of sustainability in the sermons of Hazrat Zeinab (PBUH) and their functions in the system of Elhami Kermanshahi's Shahnameh based on the theory of comparative Islamic literature that is according to Muslim cultural and religious commonalities and the relationship between historical influence and effect with a descriptive-analytical approach. Accordingly, the research shows that awareness is such a key element of stability, the promise of victory of right over wrong and hope for revenge, oppression and protest, condemnation of the people of Kufa and the rulers, confrontation with the oppressors, culture of martyrdom and perseverance and finally victory of right over Falsehood is one of the manifestations of stability in the sermons of Hazrat Zainab (PBUH) to which the Elhami Kermanshahi has paid attention and has made the thematic basis of his poetry.

Keywords: Comparative Literature, Resistance Literature, Ashura Poetry, Hazrat Zeinab (PBUH), Elhami Kermanshahi.

1. **Email:**

gh1.haidari@yahoo.com

2. **Corresponding Author's Email:**

kbaygzade@yahoo.com

3. **Email:**

nooraieielyas@yahoo.com



کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشگاه رازی، دوره دهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۰)، زمستان ۱۳۹۹، صص. ۱-۲۲

بازخوانی جلوه‌های مقاومت در خطبه‌های حضرت زینب (س) و شعر عاشورایی الهامی

غلامرضا حیدری^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

خلیل بیگ زاده^۲

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

الیاس نورایی^۳

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۱

چکیده

خطبه‌های کوفه و شام حضرت زینب (س) سرشار از جلوه‌های پایداری در برابر حکومت بنی‌امیه است و بر شاهدنامه الهامی کرمانشاهی تأثیر شگرفی داشته است، چنان‌که وی جلوه‌های پایداری را با تکیه بر خطبه‌های حضرت زینب (س) در شعرش آورده و آن‌ها را با زبانی بلاغی در گستره تشبیه به‌خوبی پرورده و در نقل سخنان حضرت (س) و نیز توصیف صحنه‌های عاشورایی از کربلا تا شام به منابع معتبر تاریخی پایند بوده است. پژوهش پیش رو، بن‌مایه‌های پایداری در خطبه‌های حضرت زینب (س) و کارکرد آن‌ها را در منظومه شاهدنامه الهامی کرمانشاهی براساس نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی مبتنی بر مشترکات فرهنگی و دینی مسلمانان و رابطه تأثیر و تأثر تاریخی با رویکردی توصیفی - تحلیلی کاویده است. بر این اساس، دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که آگاهی‌بخشی چنان اصلی‌ترین عنصر پایداری، نوید پیروزی حق بر باطل و امید به انتقام، ستم‌ستیزی و اعتراض، نکوهش و سرزنش مردم کوفه و حاکمان، رویارویی با ستمکاران، فرهنگ شهادت و پایداری و سرانجام پیروزی حق بر باطل از جلوه‌های پایداری در خطبه‌های حضرت زینب (س) است که الهامی کرمانشاهی بدان‌ها توجه داشته و بن‌مایه موضوعی شعر خویش کرده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، ادبیات پایداری، شعر عاشورایی، حضرت زینب (س)، الهامی کرمانشاهی.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

ادبیات ایران و جهان همانندی‌هایی دارند که بر پایه رابطه تأثیر و تأثر در حوزه ادبیات تطبیقی قابل سنجش است و پژوهشگران برای بررسی تطبیقی آثار ادبی و روابط فکری میان ملت‌ها می‌کوشند تا اشتراکات و تفاوت‌های چنین آثاری را بررسی کنند. کفافی می‌گوید: زبان فارسی اسلامی از پربرترین، اثرگذارترین و رایج‌ترین زبان‌هاست که در پیدایش ادبیات ترکی عثمانی و ادبیات اردو اثرگذار بوده و با فرهنگ و زبان عربی پیوند متقابل داشته است (ر.ک: ۱۳۸۲: ۲۷۷). تطبیق‌گران معاصر برآنند که فلسفه ادبیات تطبیقی، بر مطالعه ادبیات در بیرون از مرزها مبتنی است و این مرزها می‌توانند زبانی، جغرافیایی و بینارشته‌ای باشند (نک: نظری‌منظم، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

مهم‌ترین مبانی ادبیات تطبیقی شامل دو اصل است؛ نخست زبان متفاوت در دو ساحت فرهنگی - ادبی، دوم روابط تاریخی بین دو ساحت فرهنگی - ادبی (نک: کفافی، ۱۳۸۹: ۱۷-۲۰) و ادبیات تطبیقی اسلامی ضمن توجه به تعاملات فرافرهنگی با دیگر جوامع انسانی، شکوفایی و پیشرفت خود را در پابندی به «اصول فرهنگی داخل در قلمرو امت اسلامی» می‌داند (زینی‌وند، ۱۳۹۵: ۱۱۴-۱۱۵). خطبه‌های عربی حضرت زینب (س) و شعر عاشورایی فارسی اگرچه از دو ساحت زبانی متفاوت‌اند، اما تعامل فرهنگی و رابطه تاریخی آن‌ها قابل انکار نیست؛ بنابراین، ادبیات تطبیقی افزون بر جنبه‌های تأثیر و تأثر و مقایسه نقد محتوایی و ساختاری، نگرش تحلیل ماهیت «بینافرهنگی» (نک: زینی‌وند، ۱۳۹۲: ۱) برخاسته از ذات این دانش پویاست و قیام تاریخی امام حسین (ع) تأثیر عمیقی از نظر فرهنگی بر شاعران فارسی‌گوی داشته است. حسین مجیب‌المصری، پدر ادبیات تطبیقی اسلامی با نگاهی بی‌طرفانه با مسائل و رخدادهای اسلامی برخورد علمی کرده و به‌عنوان مسلمان وحدت‌گرا از ادبیات ملل اسلامی و تطبیق عملی و علمی در همگرایی ملت‌های مسلمان استفاده کرده و در این مسیر تا حدود زیادی موفق بوده است، چنان‌که با جدیت در کتاب *کریلاء بین الشعراء الشعوب الاسلامیة* کوشیده است تا واقعه ماتم سیدالشهداء را از حالت جریان‌ی تنها شیعی خارج و به‌عنوان مسئله‌ای اسلامی و حتی جهانی معرفی کند (نک: زینی‌وند، ۱۳۹۵: ۵۰-۵۴). بر این اساس، بسیاری از پژوهشگران ادبیات تطبیقی در جهان اسلام، ضمن ستایش دستاوردهای نظریه‌پردازان غربی، بومی‌سازی، همگرایی، احیای هویت اسلامی و وحدت فرهنگی میان ملت‌های مسلمان را در اولویت می‌دانند.

سخنان شجاعانه و روشنگرانه حضرت زینب (س) در قالب خطبه‌های پرشور ایشان در کوفه و شام پس

از واقعه کربلا اثرگذار بود و مانع بهره‌برداری سیاسی دشمنان و تحریف تاریخ شد. مقاومت و روحیه قهرمانی حضرت زینب (س) تأثیری شگرف‌تر از شمشیرهای صحنه کارزار داشته و این پایداری پس از شهادت امام حسین (ع) افزون بر جاودانگی نهضت عاشورا، شخصیتی ممتاز از وی ساخته است. برخی شاعران عاشورایی در سروده‌های خود به پایداری و صلابت حضرت زینب (س) و نقش ایشان در واقعه کربلا توجه کرده و جلوه‌هایی از دلوری‌ها و سلحشوری‌های شیرزن کربلا را در آثار خویش بازتاب داده‌اند. اگرچه عاشوراسرای در ادبیات عرب با حماسه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش هم‌زمان بوده است (نک: محمدزاده، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۳)، اما واقعه عاشورا با حدود چهار قرن تأخیر به شعر فارسی وارد شده و پس از آن در بیشتر سروده‌های عاشورایی نام حضرت زینب (س) در کنار نام سیدالشهدا و امام سجّاد (ع) به چشم می‌خورد. دعبل خزاعی از شاعران عرب و کسایی مروزی از شاعران فارسی نخستین کسانی هستند که در سروده‌های عاشورایی از حضرت زینب (س) نام برده‌اند (شرفشاهی، ۱۳۹۲: ۱۱).

میرزا احمد الهامی کرمانشاهی (۱۲۶۴ ق) سراینده چهار خیابان باغ فردوس در آغاز، «ملول» تخلص می‌کرد، اما حسین قلی خان سلطانی (مهجور)، شاعر کرمانشاهی، تخلص وی را به «الهامی» تغییر داد و کتابش را باغ فردوس نام نهاد. شاید بتوان منظومه چهار خیابان باغ فردوس را با حدود شانزده هزار بیت، آخرین نمونه حماسه‌های دینی بر وزن و شیوه شاهنامه فردوسی دانست. الهامی تاریخ کربلا را از مرگ معاویه تا پایان قیام مختار ثقفی در چهار خیابان (بخش) براساس توالی زمان و ترتیب رخدادها در هفت سال به‌نظم کشیده است. گزارش نوع «مقتل» در بستر حماسه و ارتباط عمیق آن با شاهنامه فردوسی تمایز این اثر با دیگر حماسه‌های دینی است (نک: میرزایی، ۱۳۹۳: ۲) که شاعر واقعه کربلا را با زبانی حماسی سروده است.

الهامی کرمانشاهی در منظومه چهار خیابان باغ فردوس (شاهنامه)، شخصیت و اقدام شجاعانه حضرت زینب (ع) را با تکیه بر خطبه‌هایش در سه برهه زمانی؛ یعنی پیش از عاشورا (از مدینه تا شامگاه تاسوعا)، روز واقعه (عاشورا و شهادت امام حسین (ع)) و پس از عاشورا (از کربلا تا شام و سپس مدینه) چنان توصیف و روایت کرده است که گویی مخاطب در تمام صحنه‌های کربلا، کوفه و شام حضور دارد. این شاعر آیینی با تحسین توان سخنوری حضرت زینب (س) و تأثیر خطبه‌های حضرت، پایداری و پامردی ایشان را به‌خوبی بازتاب داده است. درون مایه سروده‌های زینبی در بیشتر منظومه‌های عاشورایی، مرثیه، سوگ، شرح رنج‌ها، محنت‌ها و مرارت‌های حضرت (س) است و جلوه‌های پایداری و روحیه قهرمانی ایشان در سایه مضامین بگایبی، چنان که باید رخ نموده است، اما میرزا احمد الهامی بن مایه‌های پایداری خطبه‌های حضرت زینب (س) را در منظومه باغ فردوس به‌خوبی بازتاب داده است.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

معصومین (ع) و فرزندان‌شان الگوی پایداری هستند و خطبه‌هایشان خاستگاه اندیشه مبارزه است. شاعران متعهد در سروده‌های خود به ترویج این اندیشه و آرمان پرداخته‌اند و بر این اساس، کاویدن جلوه‌های پایداری در سخنان و خطبه‌های معصومین (ع) و فرزندان‌شان و تبیین بازتاب آن در شعر شاعران متعهد یک ضرورت است. مقاله پیش روی با هدف تبیین بن‌مایه‌های پایداری در خطبه‌های حضرت زینب (س) و شعر عاشورایی الهامی کرمانشاهی در منظومه شاهدنامه تنظیم شده است.

۱-۳. پرسش پژوهش

- جلوه‌های پایداری خطبه‌های حضرت زینب (س) در منظومه شاهدنامه الهامی چگونه است؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در تبیین سیمای عاشورایی حضرت زینب (س) و خطبه‌های حضرت (س) انجام شده که عبارت‌اند از: ایشانی و نعمتی قزوینی (۱۳۹۳) خطبه حضرت زینب (س) را در کوفه براساس نظریه کنش‌گفتار هوسرل تحلیل کرده‌اند. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، کنش‌های عاطفی، اظهاری و ترغیبی بیشترین بسامد و کاربرد داشته، اما کنش‌های اعلامی و تعهدی در کلام ایشان نمودی نداشته است. انصاریان و اسماعیلی ابوالخیری (۱۳۹۳) خطبه‌های کوفه و شام حضرت زینب (س) را از نظر بافت متنی، موقعیتی و ساختارهای بیرونی و درونی بررسی و تحلیل کرده‌اند. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که اسلوب خطبه کوفه حضرت زینب (س) در بافت موقعیتی عاطفی است، اما در مجلس یزید (شام) اسلوب خطبه ایشان برهان و عاطفه است. طهماسبی بلداجی (۱۳۹۲) خطبه‌های کوفه و شام حضرت زینب (س) را با آیات قرآن کریم تطبیق داده و تأثیر وحی را در سخن حضرت (س) تحلیل کرده است.

ذاکری و رحیمی (۱۳۹۶) سیمای حضرت زینب را در شعر فارسی بررسی کرده‌اند، حضرت زینب (س) در شعر فارسی از آغاز تا پایان عصر صفویه حضور کمی داشته، اما در شعر دوره قاجار و پهلوی بیشتر است. سیمای حضرت زینب (س) تا پیش از انقلاب اسلامی در شعر فارسی، غم‌زده، تازیانه‌خورده، افسرده و گریان و پیوسته در موضع ضعف است، اما در دوره انقلاب اسلامی نگاه تغییر می‌کند و زنی عزتمند، باشکوه، مقتدر و پیامبرگونه را در شعر ترسیم می‌کنند. نصرای (۱۳۹۴) کنش‌های گفتاری را در این خطبه حضرت زینب (س) براساس روش توصیفی فرکلاف و نظریه آوای متعارض باخنین تحلیل کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، تاکنون پژوهشی با عنوان جلوه‌های پایداری در خطبه‌های حضرت زینب (س) و بازتاب آن در شعر فارسی انجام نشده است و الهامی کرمانشاهی از معدود شاعرانی است که مضمون خطبه‌های حضرت زینب (س) را در شعر خویش بازتاب داده و به جلوه‌های پایداری در کلام و رفتار ایشان

توجه داشته است.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

پایداری سابقه‌ای به قدمت تمدن بشری دارد که در هر دوره متناسب با شرایط و موقعیت آن رخ می‌نماید و ادبیات پایداری «فریادی شجاعانه در مقابل ستمگران است که از ملت‌ها می‌خواهد ذلت و خواری را از خود دور سازند.» (مختاری و شهبازی، ۱۳۹۰: مقدمه) مهم‌ترین شاخص‌های ادبیات پایداری عبارت از: ۱. ترسیم چهرهٔ نرج‌کشیدهٔ مظلوم؛ ۲. دعوت به مبارزه؛ ۳. بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها؛ ۴. توصیف و ستایش جان‌باختگان؛ ۵. القای امید به آینده و پیروزی موعود؛ ۶. ستایش آزادی و آزادگی؛ ۷. ستایش سرزمین خود؛ ۸. طرح بی‌هویتی جامعه و تبعیدیان؛ ۹. طرح نمادهای اسطوره‌ای و ملی (ر.ک: سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵-۵۳) است. زیباترین سروده‌های پایداری را باید در حماسهٔ شگفت‌انگیز و عظیم عاشورا جست. واقعهٔ کربلا و خدادادهای پس از آن گویی آغاز راه بودند، چنانکه خطبه‌های ستم‌برانداز حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) نمونه‌های درخشان ادب پایداری در مقابل بیداد به‌شمار می‌روند (ر.ک: شکری، ۱۳۶۱: ۵۰)؛ بنابراین، واقعهٔ کربلا شامل دو بخش است: بخش نخست را امام حسین (ع) با خون و شهادت رهبری کرد که آزادگی، مبارزه با بیداد، ذلت‌ناپذیری، دفاع از حقایق اسلام، پرده‌برداشتن از چهرهٔ نفاق و شهادت در راه خدا از ویژگی‌های آن است و بخش دوم «پیام» و «تبلیغ» است که حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع)، بنی‌امیه را رسوا و مردم غفلت‌زده را آگاه کردند. اگر پیام‌رسانی، روشنگری و آگاهی‌بخشی حضرت زینب (س) نبود، نهضت امام حسین (ع) جاودانه نمی‌شد. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و تکیه بر نظریهٔ ادبیات تطبیقی اسلامی و براساس رابطهٔ تأثیر و تأثر تاریخی نوشته شده است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

پایداری از موضوعات مهم خطبه‌های حضرت زینب (س) است که الهامی کرمانشاهی با پای‌بندی به اسناد معتبر تاریخی در نقل حوادث کوفه و شام در منظومهٔ *شاهدنامه* بدان پرداخته است. خطبه‌های حضرت زینب (س) آگاهی‌بخش و اثرگذار است، چنان‌که مردم کوفه با شنیدن سخنان حضرت (س) از عملکرد خویش پشیمان و مردم شام از جنایات یزید و عمال حکومتش در کربلا آگاه شدند. این خطبه‌ها علیه ظلم و تعدی و سرشار از جلوه‌های پایداری است. الهامی کرمانشاهی پایداری حضرت (س) را مبتنی بر خطبه‌ها در منظومهٔ *عاشورایی شاهدنامه* سروده است که مهم‌ترین جلوه‌های آن عبارت‌اند از:

۱-۲. آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی

انسان آگاه به حقیقت بندهای دنیوی را می‌گسلد و از اسارت مادیت رها می‌شود. آگاهی‌بخشی در نهضت

حسینی، نیازمند آگاهی از تبیین، تحلیل، درک و دریافت حقایق و واقعیت‌هاست (یاوری، ۱۳۹۰: ۷۱-۱۰۲). نهضت حسینی پس از شهادت امام (ع) خاتمه نیافت؛ بلکه این نهضت با روشنگری امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) جاودانه شد؛ زیرا خطبه‌های حضرت زینب (س) از شگفتی‌های واقعه کربلا و مهم‌ترین منبع آگاهی‌بخش جویندگان حقایق قیام حسینی است. مأموریت مهم حضرت زینب (س) آگاهی‌بخشی است که فرصت تحریف نهضت امام حسین (ع) را از دشمنان گرفت و حقایق عاشورا را بیان کرد. حضرت (س) با درک موقعیت و شناخت مخاطب، مردم غفلت‌زده را با شگردهای گوناگون به‌ویژه معرفی خاندان پیامبر اسلام (ص) و رویارویی فرزند معاویه با آنان از جنایات حکومت بنی امیه آگاه کرد. حضرت (س) در ابتدای خطبه کوفه با این بیان که دختر رسول خدا (ص) سخن می‌گوید، مردم غفلت‌زده را از دسته‌بندی‌های موجود در کربلا آگاه کرد تا بدانند که دست یزید و مروان به خون چه کسانی آغشته است، چنان که فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ». (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۶)

سخن حضرت زینب (س) پاسخی هوشمندانه به کسانی است که شهادت کربلا را به خروج از دین متهم کرده بودند. ایشان با آگاهی از تأثیر تبلیغات دشمنان بر ضد فرزندان رسول خدا و «خارجی» و شورشی خواندن آن‌ها در کنشی عاطفی سخن خود را همانند قرآن کریم با حمد و ستایش خداوند آغاز و نسبت خویش را با پیامبر اسلام (ص) آشکار کرد تا به این شیوه هجمه‌های تبلیغاتی یزیدیان را ناکام و بی‌اثر کند. الهامی کرمانشاهی هوشمندی، موقعیت‌سنجی و مخاطب‌شناسی حضرت زینب (س) را چنین آورده است:

سپس بانوی دین سخن ساز کرد به نام خدا خطبه آغاز کرد
خداوند و باب و نیار استود بدان‌سان که از وی سزاوار بود

(۱۳۹۴: ۴۲۸)

یکی دیگر از شیوه‌های آگاهی‌بخشی حضرت زینب (س) باز شناساندن شخصیت امام حسین (ع) به مخاطبان کوفی، کنایه زدن به بی‌وفایی اهل کوفه و بیان جنایات عمال حکومت بنی امیه است که نبرد روانی با کوفیان پیمان‌شکن بود، چنان که می‌گوید:

«وَأَنَّى تَرْحَضُونَ قَتْلَ سَلِيلِ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَسَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَلَاذِ حَرَمِكُمْ وَمَعَاذِ حَرَبِكُمْ وَمَقَرِّ سَلْمِكُمْ وَأَسِي كَلِمِكُمْ وَمَفْزَعِ نَارِكُمْ وَالْمَرْجِعِ إِلَيْهِ عِنْدَ مُقَاتَلَتِكُمْ وَمَدْرَةِ حُجَجِكُمْ وَمَنَارِ مَحْجَتِكِ». (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۷)

الهامی سخنان تعریضی و هشدارهای حضرت (س) را چنین سروده است:

که بر سبط احمد کشیدید تیغ نخوردید بر رهبر خود دریغ

سر نوجوانان خرم بهشت	که شد کشته با تیر و زوبین و خشت
پناه و نمایندۀ راه خویش	دلیری نمودید با شاه خویش
فکندید و شد نام اسلام، پست	به جاه بلند پیمبر، شکست
وز آن بهر خود آتش افروختید	سرپرده‌اش را ز کین سوختید

(۱۳۹۴: ۴۲۹)

الهامی مضامینی چون تیغ کشیدن به روی فرزند پیامبر، سروری جوانان اهل بهشت، رهبری (پادشاهی) و پناهگاه بودن امام حسین (ع) برای شیعیان را از متن خطبه کوفه وام گرفته است.

سخنان حضرت زینب (س) در اجتماع مردم کوفه چنان اثرگذار بود که پس از آگاهی آنان از شهادت امام (ع) و اسارت فرزندان رسول خدا (ص) حیران و سرگردان می‌گریستند (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۸). حضرت زینب (س) کوفیان را به خاطر رفتار ناروا با امام حسین (ع) سرزنش، انذار و آگاه کرد:

«أَلَا يَسْ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ.» (همان: ۱۴۷)

و نیز فرمود:

«أَلَا سَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَسَاءَ مَا تَرْزُونَ لِيَوْمٍ بَعْتِكُمْ.» (همان: ۱۴۷)

استفاده مکرر از «ألا» که حرف استفتاحیه و جانشین فعل «انتبهوا» است، نشانه شدت غفلت مخاطب و لزوم هشدارهای مکرر به وی است:

بداروزگار شما! زین گناه	که شد رنج‌تان در ره دین تباه
همه سودتان با زیان بر، یکی است	شما را به خود زار باید گریست
بُرید از خدا دست‌های شما	بشد خشم یزدان سزای شما

(الهامی، ۱۳۹۴: ۴۲۹)

الهامی سرزنش کوفیان و سخنان انذار گونه و آگاهی‌بخش حضرت زینب (س) را بازتاب داده و مضامین سخنانش را با بیانی عتاب‌آمیز در شعرش سروده است. اگرچه سخنان حضرت زینب (س) لفظ‌به‌لفظ در سروده‌های الهامی نیامده، اما مفاهیم پایداری در خطبه‌ها با نگرشی شاعرانه و البته اعتقادی در شعرش بیان شده است.

برانگیختن عواطف سران شام، شگردی دیگر از آگاهی‌بخشی حضرت زینب (س) است. هنگامی که کاروان اسیران کربلا را دست‌بسته وارد مجلس یزید کردند، امام سجاد (ع) فرمود: ای یزید به گمان تو اگر رسول خدا ما را با این وضع می‌دید، چه می‌کرد؟ که یزید دستور داد طناب‌ها را بریدند، اما سر امام حسین

(ع) را برابر خود گذاشت و زنان بنی هاشم را پشت سر خود جای داد که سر را نینند. حضرت زینب (س) با مشاهده سر بریده امام (ع) ناله‌ای جانسوز سرداد و گفت:

«يَا حُسَيْنَا يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ يَا ابْنَ مَكَّةَ وَمَيِّ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ يَا ابْنَ بِنْتِ الْمُصْطَفَى!» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۷۹)

گفتمان حضرت (س) با سر بی تن حسین (ع) مجلسیان را به گریه واداشت و یزید ساکت بود. حاضرانی که سرهای بریده و اسیران را تا آن لحظه نمی شناختند، با آگاهی بخشی حضرت زینب (س) یزید را بر این جنایت سرزنش کردند و کسانی چون جالوت یهودی در حمایت از سر مطهر امام حسین (ع) شهید شدند (القرشی، ۱۳۹۷، ج ۳: ۴۷۶). گفتمان حضرت زینب (س) چنان فضای مجلس را دیگرگون و مجلسیان را منقلب و پشیمان کرد که یزید تاب نیاورد و عصای خیزرانش را طلیید و با آن بر دندان‌های امام (ع) زد و الهامی آن را چنین آورده است:

ز غوغا بترسید بر خود یزید که نفرین بر او باد هر دم مزید

(۴۷۹: ۱۳۹۴)

نحوه آگاهی بخشی حضرت زینب (س) در خطبه شام با شگرد ایشان در خطبه کوفه متفاوت است؛ زیرا حضرت (س) مردم کوفه را به خوبی می شناخت، از این لحاظ رویکرد آگاهی بخشی در خطبه کوفه عاطفی است و مردم غفلت زده‌ای مخاطب وی است که از پشیمانی گریه سر می دهند، در حالی که خطبه شام کاملاً استدلالی است و مخاطب حضرت زینب (س) سفیران دیگر کشورها، سران شام و رؤسای قبایل و بزرگان آن دیار هستند. حضرت (س) با وجود شکست در نبرد نظامی، خود را در تقابل با قدرت سیاسی حکومت اموی در موضع برتر می بیند و در چنان جایگاهی می ایستد که می تواند رفتار کسی را که در رأس قدرت سیاسی است، نقد و او را مسئول همه جنایات معرفی کند.

هنگامی که یزید با خواندن شعری خطاب به پدران و گذشتگان خود گفت: ای کاش می بودید و می دیدید که چگونه از خاندان پیامبر انتقام گرفتیم، حضرت زینب (س) شجاعانه آینده محتوم یزید را با حضور سران و نمایندگان کشورهای مختلف به وی هشدار می دهد:

«وَتَهْتِفُ بِأَشْيَاخِكَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُنَادِيهِمْ فَلْتَرِدَنَّ وَشَيْكَا مُورِدُهُمْ وَلْتَوُدَّنَّ أَنَّكَ سَلَلْتَ وَبَكِمْتَ وَكُنْ قُلْتَ مَا قُلْتَ وَفَعَلْتَ مَا فَعَلْتَ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۳)

همچنین می گوید:

«وَلَيْنِ اتَّخَذْنَا مَعْنَمَا لَتَجِدَنَّا وَشَيْكَا مَعْرُومًا حِينَ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَمْتَ يَدَاكَ وَمَا رَأَيْكَ بِظَلَامٍ لِّلْعَبِيدِ.» (همان: ۱۸۵)

این رفتار شجاعانه حضرت زینب (س) در منابع تاریخی مورد توجه الهامی بوده است:

نیاکان خود را چه سازی خطاب؟	که از مردگان نشنود کس جواب
به زودی تو خود نزد ایشان روی	وز آنچ از تو سرزد پشیمان شوی
بگویی بُد کاش دستی مرا	زبان وقت گفتن بیستی مرا
نمی‌گشت دستم به چوب آشنا	نمی‌زد سر آن گفت‌ها از منا

(۴۸۱: ۱۳۹۴)

شاعر برای انتقال مضمون سخنان حضرت زینب (س) خطاب به یزید از واژگانی بهره برده که بتواند لحن شجاعانه ایشان را به یاری آن‌ها در سروده‌هایش بازتاب دهد.

۲-۲. آینده‌نگری و امید به انتقام

امید از جلوه‌های پایداری است و شکست‌ناپذیری و دوری از نومی‌دی در سروده‌های شاعران ادبیات پایداری نمود چشم‌گیری دارد و روحیه امید در خطبه‌های حضرت زینب (س) از نگاه الهامی پنهان نمانده است. حضرت زینب (س) به سخن خدای متعال در سزای ستمکاران ایمان دارد که حق تعالی انتقام مظلوم را از ظالم خواهد گرفت:

«وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ، فَلَا يَسْتَجِيبُكُمُ الْمَهَلُ، فَإِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَخْفِزُهُ الْبِدَارُ، وَلَا يُخْشِي عَلَيْهِ فَوْتُ النَّارِ، كَلَّا إِنَّ رَبَّكَ لَنَا وَهُمْ بِالْمُرْصَادِ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۸)

همچنین می‌فرماید:

«وَوَيْلٌ لِّمَنْ يَغْضَبُ مِنَ اللَّهِ، وَضُرِبَتْ عَلَيْكُمُ الدَّلِيلَةُ وَالْمَسْكَنَةُ.» (همان: ۱۴۷-۱۴۸)

نوید و امید به پیروزی بن‌مایه ادبیات پایداری همه ملّت‌هاست و در آثار منظوم و منثور نویسندگان دینی با بهره‌گیری از وعده الهی امید به فتح مطرح است (نک: سنگری، ۱۳۸۹: ۷۵). حضرت زینب (س) در خطبه‌هایش به آینده امیدوار است و یقین دارد که خدای متعال انتقام مظلوم را از ظالم خواهد گرفت. الهامی امید حضرت زینب (س) به انتقام الهی از ستمکاران و اندیشه ایشان را در شعرش بازتاب داده است:

روا بر شما گشته خشم خدای	به دوزخ شما راست پیوسته جای
که فردا ندارید چو فریادرس	رسد خشم یزدان چو از پیش و پس
که پیش خدا از دمی کمتر است	کسی از بر داد یزدان نرست
خدا در کمین ستمکارهاست	ورا با بداندیش دین کارهاست

(الهامی، ۱۳۹۴: ۴۲۹)

«املاء و استدراج» از سنن الهی و از مصادیق کیفرهای معنوی است که در دنیا شامل حال مترفین و گناه کاران می‌شود. مهلت گناه کاران و رسیدن آنان به آرزوهای دنیایی به‌ظاهر خوب و موجب کامیابی

است، اما در واقع نوعی انتقام الهی است، زیرا این طول عمر و رسیدن به آرزوها در حقیقت شرّ و موجب زیادی عذاب است. از مصادیق پایداری حضرت زینب (س) در واقعه عاشورا اعتقاد راسخ به سنت املاء و استدراج است، چنان که در خطبه شام با استناد به آیات قرآن کریم از تندروی‌های یزید انتقاد و کلام وحی را به وی یادآوری می‌کند:

«فَمَهْلًا مَهْلًا أُنْسِيَتْ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مُلِيَّ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا مُلِيَّ لَهُمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا وَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾» (آل عمران/ ۱۷۸)

شأن نزول این آیه درباره مشرکان مکه و ابوسفیان است، اما حضرت زینب (س) هوشمندانه درباره اقدام جنایت کارانه یزید به وی هشدار می‌دهد که به دنیای زودگذر دلخوش نباشد، زیرا به زودی عذاب الهی بر شما یاریان فرود خواهد آمد. الهامی به تجلّی کلام وحی در خطبه‌های حضرت زینب (س) اشاره کرده و مضمون آیات را در شعرش آورده است:

همانا ندانی که یزدان چه گفت	همی با پیمبر دُر راز سفت
که منما گمان ای رسول امین	که این مهلت ما به بدخواه دین
بود بهر ایشان نکو در جهان	بسی هست بد، لیک ز ایشان نهان
امانشان بدادیم این چندگاه	که سنگین نمایند بار گناه
عذابی بود بهر ایشان به کار	که پاینده در آن بمانند و خوار

(۱۳۹۴: ۴۸۰)

حضرت زینب (س) به خدای متعال امید دارد که انتقام خون‌های ناحق ریخته را خواهد گرفت:

«اللَّهُمَّ خُذْ لَنَا حَقَّنَا وَانْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا وَأَخْلِلْ غَضَبِكَ مِنْ سَفْكَ دِمَائِنَا وَقْتِلْ حَمَاتِنَا.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۳)

شاعر درخواست حضرت زینب (س) را از خدای منتقم برای انتقام خون حضرت سیدالشهدا (ع) از یزیدیان چنین آورده است:

پس آن غم زده بانوی داغدار	بنالید بر درگه کردگار
که یارب به حق رسول انام	بکش از بداندیش ما انتقام
به آن کس بکن خشم خود را پدید	که از تن سر شاه ما را برید

(۱۳۹۴: ۴۸۱)

تحقق وعده الهی از دیدگاه حضرت زینب (س) حتمی است و خطاب به یزید می‌فرماید:

«قَوَّ اللَّهُ مَا فَرَيْتَ إِلَّا جِلْدَكَ وَلَا حَزْرَتَ إِلَّا حَمَكَ وَلَتَرَدَّنَّ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَا حَمَلْتِ مِنْ سَفْكَ دِمَائِهِ ذُرِّيَّتِهِ وَأَنْتَهُكَتِ مِنْ حُرْمَتِهِ فِي عَزْرَتِهِ وَحُمَيْتِهِ حَيْثُ يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَهُمْ وَيَلْمُ شَعْنَهُمْ وَيَأْخُذُ بِحَقِّهِمْ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۳-۱۸۴)

سرزنش‌های حضرت زینب (س) و هشدارهای مکرر ایشان به یزید در اعتقاد الهامی اثرگذار است و شاعر مضمون این سخنان برخاسته از روحیه سلحشوری و پایداری حضرت (س) را در سروده‌هایش آورده است:

سپس گفت با وی که ای مرد دون	تو خود ریختی از تن خویش خون
همه آنچه از کینه بد می کنی	نه بر بی گناهان، به خود می کنی
نکندی مگر پوست از خویشتن	به خنجر دریدی هم از خویش، تن
به تو بس بُود دادگر پادشاه	رسول خدا دشمن کینه‌خواه

(۴۸۱: ۱۳۹۴)

۲-۳. ستم‌ستیزی و اعتراض

نوعی اعتراض در مفهوم پایداری نهفته است و شاعر مقاومت در مقام نفی به چیزی «نه» می گوید. این «نفی»، «نه» و «اعتراض» می تواند متعلق‌های گوناگونی بپذیرد و براساس این متعلق‌ها می توان برای مفهوم ادب و هنر پایداری سطوح مختلفی را ترسیم کرد. لایه نخست مفهوم ادب و هنر پایداری، «نه» به واقعیت موجود است، لایه دیگر «نه» به انحراف، بی عدالتی و آلودگی اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و... است که هنرمند در پیرامون خویش مشاهده می کند و آن را بر نمی تابد و سطح سوم از مفهوم ادب مقاومت، اعتراض به استبداد داخلی یا تجاوز خارجی است (چهرقانی برچلوبی، ۱۳۸۳: ۲۵). حضرت زینب (س) در خطبه‌های ظلم‌ستیزانه و اعتراضی کوفه و شام، حکومت اسلامی را حق خاندان خود می داند و خطاب به یزید می گوید:

«أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَفْطَارَ الْأَرْضِ وَأَفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تَسَاقُ الْأُسْرَاءُ أَنْ بِنَا هَوَانًا عَلَيْهِ وَبِكَ عَلَيْهِ كِرَامَةً وَأَنَّ ذَلِكَ لِعِظَمِ خَطْرِكَ عِنْدَهُ فَشَمَخْتَ بِأَنْفِكَ وَنَطَرْتَ فِي عِطْفِكَ جَدْلَانَ مَسْرُورًا حَيْثُ رَأَيْتَ الدُّنْيَا لَكَ مُسْتَوْتَقَةً وَالْأُمُورَ مُتْسَبِّقَةً وَحِينَ صَفَا لَكَ مُلْكُنَا وَسُلْطَانُنَا.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۱)

اعتراض مؤلفه اساسی ادبیات پایداری است و هدف آن حق طلبی و موضع گیری در برابر ستم است. الهامی با اثرپذیری از سخنان اعتراضی حضرت زینب (س) در خطبه‌های کوفه و شام، جلوه‌هایی از پایداری ایشان را با رعایت مضمون کلام حضرت (س) خطاب به یزید در شعرش سروده است:

هم ایدون که بر ما به سختی چنین	بیستی ره آسمان و زمین
همی چون اسیران روم و فرنگ	به پا داشتی دست در پالهنگ
گمانت که در نزد پروردگار	عزیزی تو بسیار و ماییم خوار
وز آن رو بینی درافکنده باد	بینی به هر سوی خندان و شاد

نبینی ز آل پیامبر به جای کسی کو نهد بهر کین تو پای
 شده مرز اسلام یک سر تو را گمانت که بگزیده داور تو را

(۱۳۹۴: ۴۸۰)

حضرت زینب (س) با یادآوری رفتار پیامبر اسلام (ص) با طلقاء (خاندان ابوسفیان) که پس از فتح مکه مسلمان شدند و پیامبر آنان را به بردگی نگرفت و آزادشان کرد، به رفتار یزید با زنان اهل حرم امام حسین

(ع) اعتراض می کند:

«أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطَّلَاقِ تَحْدِيْرَكَ خَرَابِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَسَوْفَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتِ وُجُوهُهُنَّ تَحْدُو بَيْنَ الْأَعْدَاءِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَيَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاقِلِ وَالْمَنَاقِلُ وَيَتَصَفَّحُ وُجُوهُهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ وَالذَّيْفُ وَالشَّرِيفُ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رَجَالِهِنَّ وُيُؤَى وَلَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيٌّ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۲)

یکی از کنش های زبانی حضرت زینب (س) «ابن الطلقاء» است که به روشنی میان روابط قدرت آن عصر با روابط قدرت دوران پیامبر و عصر غلبه گفتمان نبوی مرز می کشد. این تعبیر در آن دوره برای اشراف قریش که در فتح مکه اسیر و به دستور پیامبر آزاد شدند، به کار می رفت. همچنین در عصر خلافت امام علی (ع) و در پی ستیزه جویی معاویه با حضرت (ع) در تعبیری طعنه آمیز برای اشاره به سردمداران اموی به کار رفته است. این تحقیر اجتماعی تا مدت ها کاربرد داشته و حضرت زینب (س) یزید را با استفاده از این تعبیر در خطبه شام خطاب کرده و در اجتماع سفیران کشورها و بزرگان تحقیر می کند. وجه پرسشی گفتار نشان می دهد که حضرت زینب (س) از طبقه بالادست قدرت ایدئولوژیک است، قدرتی که حتی با شرایط سخت پس از فاجعه کربلا از نگاه ایشان خلل نیافته و همچنان برقرار است (نک: نصرای، ۱۳۹۴: ۸۴). الهامی مضمون سخنان حضرت زینب (س) را خطاب به یزید چنین سروده است:

تو آنی که چونت نیاکان به جنگ فتانند در بند اسلام، تنگ
 نبی شان ببخشید و آزاد کرد نباشد ز داد ای بداندیش مرد!
 که بر جای آن نیکویی این کنی به اولاد او کینه آیین کنی
 بداری پس پرده ها سرفراز زنان و کنیزان خود را به ناز
 عیال رسول خدا را چنین بر مردم آری گشاده جبین
 برهنه سر آری به بازار و کوی که بیندشان مسلم و گبر، روی

(الهامی، ۱۳۹۴: ۴۸۰)

حضرت (س) جایگاه خاندان رسالت را در خطبه کوفه تبیین کرده و جفای دشمنان را به آل محمد (ص)

نکوهش می‌کند:

«أَتَدْرُونَ وَيْلَكُمْ أَيَّ كَيْدٍ لِمُحَمَّدٍ (ص) فَرْتُمُ؟ وَأَيَّ عَهْدٍ نَكَّيْتُمْ؟ وَأَيَّ كَرِيمَةٍ لَهُ أُبْرَزْتُمْ؟ وَأَيَّ حُرْمَةٍ لَهُ هَتَكْتُمْ؟ وَأَيَّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ؟ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً إِذَا، تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ، وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ، وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدَأً، لَقَدْ جِئْتُمْ بِهَا شَوْهَاءَ صَلْعَاءَ سَوْدَاءَ فَقَمَاءَ خُرْقَاءَ طِلَاعَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ تُمَطَّرَ السَّمَاءُ دَمًا.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۸)

حضرت در این جملات به شرح عملکرد هولناک مردم کوفه پرداخته و با استفهام توییحی که مفید معنای خبر است، از کنشی اظهاری در ساختار خطبه بهره برده است. شاعر مضمون این سخنان را چنین سروده است:

یکی نیک بینید در کار خویش	چه کردید با شاه و سالار خویش
بینید تا خود ز خیر البشر	بُردید از کین کدامین جگر
چه کردید با پردگی‌های او؟	ببردید از خود چه سان آبرو؟
چه خون‌ها که از وی فروریختید	چه آشوب در دین برانگیختید
از این کرده زشت نادل‌پسند	چه لب‌ها که کردم به دندان‌گزند
شگفتی نباشد که از این ستم	شکافد زمین کوه پاشد ز هم
و یا آسمان خون بیارد به خاک	زان‌دوه این ماتم دردناک

(الهامی، ۱۳۹۴: ۴۲۹)

۲-۴. نکوهش و سرزنش مردم کوفه

هجو از انواع شعر است و قدمتی به دیرینگی بشر دارد که گاهی صریح و گاهی مبهم جلوه می‌کند. این گونه ادبی «نوعی شعر غنایی است که بر پایه نقد گزنده و دردانگیز بنا می‌شود.» (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۲۸) برخی ناقدان خطبه‌های حضرت زینب (س) را به دلیل آهنگین بودن شعر گونه دانسته‌اند، چنان‌که وقتی ابن زیاد سخنان حضرت (س) را شنید، گفت:

«هَذِهِ سَجَاعَةٌ وَلَعْمَرِي لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ سَجَاعاً شَاعِراً.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۶۱)

الهامی در توصیف تأثیر سخن حضرت (س) می‌گوید:

زبانش ز تیغ پلدر تیزتر / ز بیکان تقدیر خونریزتر

(۱۳۹۴: ۳۸۴)

برخی نویسندگان، تناقض در رفتار، فریب‌کاری، تمرد بر والیان، فرار در رویارویی با مشکلات، اخلاق

بد، طمع‌ورزی و متأثر شدن از تبلیغات را از ویژگی‌های مردم کوفه برشمرده‌اند (القرشی، ۱۳۹۷، ج ۲: ۴۲۰)

و امام علی (ع) آنان را چنین توصیف فرموده‌اند: «ای کوفیان! گرفتاری من با شما در دو سه چیز خلاصه می‌شود: کره‌ایی صاحب‌گوش، لال‌هایی زبان‌دراز، کورانی که چشم دارند، نه در روزهای رزم آزادی و صداقت‌تان هست و نه در هنگامه گرفتاری برادرانی مورد اعتمادید» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷). بر این اساس، حضرت زینب (س) مردم کوفه را می‌شناخت و از خیانت آنان به پدر و برادرش (امام حسن) آگاه بود و اکنون شاهد وعده یاری آنان به دیگر برادرش (امام حسین) است که وی را فراخواندند، اما پیمان‌ش را شکستند.

آغاز خطبه کوفه براثت است؛ یعنی مانند سوره توبه بدون «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده است؛ زیرا «بسم الله» پیام رحمت است، اما سوره توبه برای رفع امان و اعلام جنگ نازل شده است؛ بنابراین حضرت زینب (س) سخن خود را به پیروی از سوره توبه آغاز می‌کند، چون با قومی سخن می‌گوید که پیمان خود را شکسته و با دشمنان فرزند رسول خدا (ص) پیمان بسته‌اند. حضرت (س) از کسانی که ناحق بر کرسی جانشینی رسول خدا (ص) تکیه زده‌اند، بیزاری جسته و سخن را بی‌ذکر رحمت خدا آغاز کرده است. وقتی حضرت زینب (س) گریه پیمان‌شکنان کوفه را برای سر بریده فرزند رسول خدا (ص) و اسارت دختران فاطمه زهرا (س) مشاهده کرد، مردم کوفه را هجو و رفتار آنان را نکوهش کرد:

«أَمَا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْخَنْزَلِ وَالْغَدْرِ وَالْخَذَلِ وَالْمَكْرِ، أَلَا فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ وَلَا هِدَاةِ الزُّفْرَةَ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۶)

الهامی این سخنان حضرت (س) را خطاب به کوفیان چنین آورده است:

سپس گفت ای کوفیان دورنگ!
که کردارتان جمله ریو است و رنگ
بر آرید از آل احمد دمار؟
پس آنگه بر ایشان بگریید زار؟

(۴۲۹: ۱۳۹۴)

حضرت زینب (س) مردم کوفه را با زبان تعریض نکوهش و سرزنش و چنین مؤاخذه کرد:

«أَتَبْكُونَ أَخِي؟! أَجَلٌ وَاللَّهِ فَبُكُوا فَإِنَّكُمْ أَخْرِيَاءُ بِالْبُكَاءِ، فَبُكُوا كَثِيرًا وَأَضْحَكُوا قَلِيلًا، فَقَدْ بَلَيْتُمْ بَعَارَهَا وَمُنَيْتُمْ بِسِنَارِهَا، وَلَنْ تَرَحُّضُوهَا أَبَدًا.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۷)

الهامی با برگردان پای‌خوان این سخن گفته است:

مر این ناله و گریه از بهر کیست؟
بخندید اندک، بگریید بیش
شما را به خود زار باید گریست
از این ننگ کامد شما را به پیش
گر از گریه سازید خود را هلاک
نگردید از رنگ این ننگ، پاک

سرنامتان اندر آمد به خواب نشوید چنین ننگ را هیچ آب

(۴۲۹:۱۳۹۴)

حضرت (س) مردم کوفه را در تمثیلی قرآنی به سبزه بر لجن زار، نقره بر گور و زنی که هرچه را بافته، پنبه کرده، مانند کرده است:

«إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَصَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ، أَوْ كَمَرْعَى عَلَى دِمْنَةٍ، أَوْ كَفِصَّةٍ عَلَى مَلْحُودَةٍ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۶)

این تمثیل در اندیشه الهامی تأثیر شگرفی داشته و مضمون سخنان حضرت زینب (س) را برگردان کرده و چنین سروده است:

شما را چو آن زن بود داستان که سازد همی پنبه را ریسمان

چه بدها که نفس و هوای شما نهاده است در پیش پای شما

(۴۲۹:۱۳۹۴)

۲-۵. رویارویی با ستمکاران

مؤمنان نفرین را روشی برای مبارزه با رفتارهای باطل و ضدّ هنجار تبه‌کاران می‌دانند. رخداد عاشورا از مدینه تا شام سرشار از دعا، مناجات و نیایش امام حسین (ع) و یاران است؛ البته روشنگری، هدایت و بیداری وجدان خفته فریب خوردگان اساس حرکت و مبارزه امام (ع) بود، اما گاهی چنان مهر غفلت بر چشم و گوش و قلب گمراهان زده شده بود که امام (ع) و یارانش افزون بر شکوه از رفتار دشمن به درگاه خدا، آنان را لعن و نفرین می‌کردند که برخی نفرین‌های امام حسین (ع) و یارانش گروه ستمکار را هدف گرفته است (نک: رضوی، ۱۳۸۸: ۳۵۵). بر این اساس، برخی حوادث عاشورا چنان جان‌گداز است و دل حضرت زینب (س) را به درد می‌آورد که با تمام مهربانی و شفقتی که دارد، ستمکاران را در خطبه‌هایش نفرین می‌کند:

«لَقَدْ خَابَ السَّعْيُ وَتَبَّتِ الْأَيْدِي وَخَسِرَتِ الصَّفْقَةُ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۴۷)

تبری حضرت زینب (س) از دشمنان و نفرین بر آنان از مؤلفه‌های پایداری است که الهامی در شاهنامه سروده است:

مبادا تهی چشم‌هاتان ز اشک که بر چشم بی‌گریه آرید رشک

همه کارهاتان رنج و اندوه باد به گیتی نمایند یک روز شاد

نباشید خوشدل بدین روز چند که بینید کامی ز چرخ بلند

(الهامی، ۴۲۹:۱۳۹۴)

حضرت زینب (س) در خطبه‌هایش، یاران امام حسین (ع) را حزب خدا و سپاه یزید را حزب شیطان می‌داند: «أَلَا فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِقَتْلِ حِزْبِ اللَّهِ النَّجْبَاءِ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ الطَّلَقَاءِ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۴)

سخن حضرت (س) بن مایه قرآنی دارد، چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله/ ۲۲) و «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله/ ۱۹). تقابل یاران امام حسین (ع) و سپاهیان یزید که حضرت (س) به حزب الله و حزب شیطان از آن نام برده، بر ذهن الهامی اثرگذار بوده است:

چه سازم که وارونه گردد سپهر
شگفتا! ز نیکان بریده است مهر
که آرد سپاه خدا را شکست
ز قومی که هستند شیطان پرست

(الهامی، ۱۳۹۴: ۴۸۱)

۲-۶. نکوهش و سرزنش حاکمان

نکوهش سران بنی امیه از جلوه‌های پایداری در خطبه‌های حضرت زینب (س) است که از نگاه الهامی دور نمانده است. سخنان حضرت زینب (س) در مجلس ابن زیاد، مصداق بارز پایداری حضرت (س) در برابر جنایات عیدالله است، چنان‌که هوشمندانه با سکوت خویش دشمن را تحقیر می‌کرد. وقتی اسیران را به دارالاماره کوفه آوردند، حضرت (س) بی‌اعتنا به اجازه عیدالله بن زیاد بر زمین نشست و ابن زیاد سه بار پرسید کیستی؟ که حضرت پاسخش نداد تا یکی از همراهان گفت: این بانو، زینب کبری (س) دختر فاطمه زهرا (س) است (نک: ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۶۰). وقتی ابن زیاد حضرت زینب (س) را شناخت در صدد آزارش برآمد و خطاب به ایشان گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَأَكْذَبَ أُحَدِّثْتَكُمْ» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۶۰).

که حضرت (س) در پاسخ وی فرمود:

«إِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَهُوَ غَيْرُنَا.» (همان: ۱۶۰)

روحیه مقاومت و مبارزه حضرت زینب (س) در برابر حاکمان ستم‌پیشه بنی‌امیه چنان در اندیشه شاعر اثرگذار بوده که می‌توان وی را تنها شاعر کرمانشاهی عصر قاجار دانست که توصیف پایداری و روحیه سلحشوری و قهرمانی حضرت (س) را جایگزین توصیف گریه‌ها، غم‌ها و محنت‌هایش کرده و از این زاویه سرآمد همگان است، چنان‌که پاسخ کوبنده حضرت (س) را چنین توصیف کرده است:

دل بانو ز گفتش آمد به جوش
ز جای اندر آمد، بگفتا: خموش
ستایش بر آن پاک‌داور رواست
که بر پاکی ما کلامش گواست

نیای مرا داد پیغمبری	ز بد داشت اولاد او را بری
گنه کار رسوا شود در جهان	دروغ است سرمایه گمراهان
تویی آن! نه ماییم ای بدگهر	که از خشم یزدان نداری خبر

(۴۳۷:۱۳۹۴)

ابن زیاد که فضایی از تهدید و ارباب بر مجلس حاکم کرده بود و می‌خواست حضرت زینب (س) را دل‌آزرده‌تر کند، با تکبر گفت: کردار خداوند با برادر و خاندانت را چگونه دیدی؟ که حضرت (س) فرمود:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً، هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ ... هَبْلَتِكَ أُمَّكَ يَا ابْنَ مَرْجَانَةَ!» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۶۰)

بر این اساس، حضرت (س) در اسارت نیز از تیغ کینه عیدالله زیاد نمی‌هراسد و حاکم کوفه را تحقیر و او را پسر مرجانه خطاب می‌کند. الهامی رویکرد شجاعانه حضرت (س) را تحسین و هشدار ایشان را به ابن زیاد درباره سرنوشت محتومش چنین توصیف می‌کند:

بفرمود بانو که از کردگار	ندیدم به جز نیکویی هیچ کار
خدا را نخست این چنین داشت خواست	که ما کشته گردیم بر راه راست
تو را نیز این راه باشد به پیش	به زودی روی سوی بنگاه خویش
چو یزدان به پیش آورد داوری	بیندیش تا خود چه عذر آوری؟

(۴۳۷:۱۳۹۴)

حضرت زینب (س) که بر اساس گفته‌های اموی و از نظرگاه ابن زیاد شکست خورده است، آوایی هوشمندانه سرمی‌دهد و با طرح ایدئولوژی شهادت خود را شکست خورده نمی‌نمایاند؛ بلکه سعادت و آمرزش را بزرگ‌ترین دستاورد فرزندان رسول خدا (ص) در رویداد عاشورا معرفی می‌کند؛ همچنین حضرت زینب (س) هنگام مشاهده رفتار یزید با سر مطهر امام حسین (ع) در مقابل سران شام به استناد قرآن کریم خطاب به او گفت: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (روم/ ۱۰).

الهامی در شعرش به تجلی کلام وحی در سخن حضرت (س) اشاره کرده و از این بُعد امانتدار خوبی برای انتقال مفاهیم پایداری خطبه‌های حضرت زینب (س) به مخاطب است:

سپس رو به وی کرد و گفت: ای یزید	درست است گفت آنچه رب مجید
که آن تیره‌جانان دل بی‌فروغ	که خوانند آیات ما را دروغ
بخندند بر گفته ایزدی	بود زشت اندامشان زان بدی

(۴۷۹:۱۳۹۴)

حضرت (س) نسب یزید را که از نسل هند جگر خوار است، یادآوری کرده و خطاب به وی می‌فرماید:

«كَيْفَ يُرْتَجَى مُرَاقِبَةٌ مَنْ لَفَظَ فُوهَ أَكْبَادِ الْأَرْكَبِاءِ وَنَبَتَ لَحْمُهُ مِنْدِمَاءِ الشُّهَدَاءِ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۲)

از تعابیری که حضرت زینب (س) در خطبه‌ها به کار برده، چنین برداشت می‌شود که کینه‌توزی یزید و شیوه رفتارش با فرزندان پیامبر، کوششی برای جبران تلخی‌های گذشته و شکست امویان در برابر آل عبدالمطلب است. بر این اساس، الهامی در کینه‌توزی هند، همسر ابوسفیان، که جگر حمزه (ع) را در جنگ احد به دندان گرفته بود، می‌گوید:

ولی زین به از چون تو نبود امید که مامش جگر بند عمش مکید
نیرووروده از خون پاکان تننت شده چون هیون از گنه گردنت

(۱۳۹۴: ۴۸۰)

حضرت زینب (س) از سخن گفتن با یزید اکراه دارد، اما خطاب به وی می‌گوید:

«وَلَيْسَ جَرَّتْ عَلَيَّ الدَّوَاهِي مَخَاطِبَتِكَ إِنِّي لَأَسْتَضَعِرُّ قُدْرَكَ وَأَسْتَعِظُمُ تَقْرِيبَكَ وَأَسْتَكْبِرُ تَوْبِيحَكَ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۴)

که الهامی در توصیف این سخنان می‌گوید:

اگر چند از گردش روزگار من استاده‌ام پیش تو اشک‌بار
ولیکن به چشمم از آن کمتری که بر من چنین سرزنش آوری

(۱۳۹۴: ۴۸۱)

۲-۷. فرهنگ شهادت و پایداری

شهادت و شهید از واژه‌های مهم و پر کاربرد قرآن است، چنان که خداوند شهیدان را در ردیف پیامبران، صدیقان و نیکوکاران آورده است. امام حسین (ع) بر این باور است که اگر برای پاسداری از اسلام راهی جز شهادت نباشد، باید جان خود را فدای اسلام کرد:

«إِنْ كَانَ دِينُ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ إِلَّا بِقَتْلِي فَيَا سُوْفَ خُدَيْبِي.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۲۰)

حضرت (ع) در فراز دیگری از سخنانش مرگ با عزت را به زندگی ننگین ترجیح می‌دهد:

«الْقَتْلُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ.» (همان: ۱۱۹)

حضرت زینب (س) نیز در خطبه‌هایش با اشاره به آیات قرآن، فضیلت شهادت را بر شمرده و خاندان عصمت و طهارت (ع) را محبوب پیشگاه خدای متعال دانسته و معتقد است، مرگ در راه خدا جز زیبایی نیست و خداوند سرنوشت فرزندان پیامبر (ص) را شهادت قرار داده است؛ زیرا شهادت پاداشی است که حق تعالی به اولیای الهی می‌دهد. بر این اساس، کسانی که در راه خدا جان خویش را فدا می‌کنند، زنده‌اند و نزد پروردگار روزی می‌خورند. این وعده خداوند است که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا

بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿آل عمران/ ۱۶۹﴾.

الهامی مضمون آیه را که سخنان حضرت زینب (س) در خطبه‌هایش برخاسته از آن است، چنین سروده است:

مپندار آنان که دادند جان	به راه خداوند در این جهان
بمردند و گردیدشان خاک، تن	که هستند زنده بر ذوالمنن
همه روزی از نور یزدان خورند	تن و جان از آن نور می‌پرورند

(۴۸۱: ۱۳۹۴)

حضرت (س) شهادت را پاداش خداوند به فرزندان پیامبر (ص) دانسته و حق تعالی را برای این پاداش و توفیق شهادت سپاس می‌گوید:

«فَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي خَتَمَ لَأَوْلَادِنَا بِالسَّعَادَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَلَا خَيْرَ نَا بِالشَّهَادَةِ وَالرَّحْمَةِ.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳: ۱۸۵-۱۸۶)

الهامی این معنی را چنین سروده است:

سپاسم به یزدان که آغاز ما	سعادت بُد و وحی دمساز ما
در انجام آمد شهادت نصیب	که بینیم مزد نیکویی حیب

(۴۸۲: ۱۳۹۴)

۸-۲. پیروزی حق بر باطل

شناخت حق و باطل ضروری‌ترین شناخت در زندگی انسان است که او را از سقوط در ورطه سرگردانی مصون می‌دارد. خدای متعال وعده داده که حق پیروز و باطل نابودشدنی است: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء/ ۸۱)؛ یعنی در سخت‌ترین شرایط که حق تنها می‌ماند و باطل پیروزی ظاهری می‌یابد، همچنان روزنه‌ای به سوی حق باز است، چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر حق تنها ماند و پیروانی اندک یابد همواره جایی برای امیدواری هست» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶: ۶۶)؛ یعنی خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که می‌تواند بین حق و باطل فرق بگذارد و راه خود را به سوی کمال مطلق بیابد. کربلا صحنه رویارویی حق و باطل بود، چنان‌که فتنه بنی‌امیه باعث شد، شناخت حق و باطل دشوار باشد و چنین بود که تعدادی اندک در جبهه حق ماندند؛ البته خدای متعال وعده داده، پیروان حق اگرچه اندک باشند و در زمین ضعیف شوند، آنان را پیشوای مردم و وارث زمین قرار می‌دهد: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص/ ۵). بر این اساس، حضرت زینب (س) در اوج پیروزی ظاهری حکومت بنی‌امیه بر حقیقت و جاودانگی نهضت امام حسین (ع) تأکید کرد و خطاب به یزید فرمود:

«فَكَيْدُكَيْدِكَ وَاسْعَ سَعْيِكَ وَنَاصِبَ جُهْدِكَ فَوَ اللَّهُ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَلَا تُمَيِّتُ وَحِينَنَا وَلَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا.» (ابن طاووس، ۱۳۵۳:

(۱۸۵)

الهامی وعده حضرت (س) را در سرانجام پیروزی حق بر باطل چنین سروده است:

بکن هر چه خواهی ز یی‌داد و کین	به ما اهل بیت رسول امین
که گردد سپاه خدا رستگار	در انجام ابلیس و یارانش خوار
تو خواهی که بنیاد ما از جهان	براندازی و هست بر تو نهان
که هرگز نمیرد ز تو نام ما	بلند است آغاز و انجام ما
تو نتوانی آیات تزیل را	پوشانی و وحی جبریل را

(۱۳۹۴: ۴۸۱)

۳. نتیجه گیری

سیمای حضرت زینب (س) چنان شاهد رخداد کربلا و پیام آور عاشورا از آغاز پیدایش ادب عاشورایی تا دوره صفویه چندان مورد توجه شاعران پارسی سرای نبوده؛ بلکه در شعر عاشورایی دوره قاجار بیشتر بدان توجه شده است، اما شاعران این دوره نیز بیشتر سیمای زنی غم‌زده، تازیانه‌خورده، درمانده و پیوسته گریان را در سروده‌های خود نمایش داده‌اند. آنچه میرزااحمد الهامی را از سایر شاعران عاشورایی عصر قاجار متمایز می‌کند، وی افزون بر سیمای ماتم‌زده حضرت زینب (س)، به سیمای مبارزاتی، روحیه سلحشوری و مقاومت حضرت (س) در رخداد کربلا توجه کرده است. بازتاب جلوه‌های پایداری حضرت زینب (س) در شعر الهامی با تکیه بر خطبه‌های کوفه و شام اهتمام ویژه شاعر در انتقال مضامینی است که به شیوه تأثیر و تأثر تاریخی با تکیه بر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی محتوای شعر وی را عاشورایی کرده است. آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی، نوید پیروزی حق بر باطل، آینده‌نگری و امید به انتقام الهی، ستم‌ستیزی و اعتراض، نکوهش و سرزنش مردم کوفه و حاکمان اموی، رویارویی با ستمکاران، مباحثات به شهادت در راه خدا و داشتن روحیه شهادت‌طلبی، تکریم فرهنگ پایداری و دفاع از حقانیت اسلام از مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در خطبه‌های حضرت زینب (س) است. این مضامین چنان توجه الهامی کرمانشاهی را جلب کرده که آن‌ها را به زیبایی با سطحی از ترجمه پای‌خوان در منظومه چهار خیابان باغ فردوس (شاهنامه) سروده و منظومه پرباری را در تبیین سیمای حماسی و پایداری حضرت زینب (س) آفریده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۵۳). اللهورف علی قتلی الطغوف. ترجمه احمد فهری زنجانی. تهران: جهان.

الهامی کرمانشاهی، میرزا احمد (۱۳۹۴). شاهنامه (چهار خیابان باغ فردوس). به کوشش علی انسانی. چاپ اول،

تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.

- چهرقانی برچلوئی، رضا (۱۳۸۳). تأملی در نسبت پایداری و ادبیات. *مجله شعر*، (۳۵)، ۲۵-۳۹.
- رضوی، سید عباس (۱۳۸۸). *تحلیلی بر نیایش‌ها و نعرین‌های عاشورایی*. تهران: مؤسسه دین پژوهی بشری.
- زینی‌وند، تورج (۱۳۹۲). ادبیات تطبیقی و مقوله فرهنگ. *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ۳ (۱۲)، ۱-۱۵.
- (۱۳۹۵). *به سوی نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی*. چاپ اول، تهران: یار دانش.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۳). ادبیات پایداری. *مجله شعر*، (۳۹)، ۴۵-۵۳.
- (۱۳۸۹). *ادبیات دفاع مقدس*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- شرفشاهی، کامران (۱۳۹۲). تجلی زینب در شعر عاشورا. *مجله کتاب نقد*، ۱۵ (۶۷ و ۶۸)، ۸۷-۱۵۸.
- شکری، غالی (۱۳۶۱). *ادب مقاومت*. ترجمه محمدحسین روحانی. چاپ اول، تهران: نو.
- القرشی، شریف (۱۳۹۷). *حیات الامام الحسین بن علی (ع)*. الطبعة الثانية، قم: دار الکتب.
- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی، پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی*. ترجمه سید حسین سیدی. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه سید حسین سیدی. چاپ دوم، مشهد: به‌نشر و آستان قدس رضوی.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۶). *دانشنامه شعر عاشورایی*. چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- مختاری، قاسم و محمود شهبازی (۱۳۹۰). جلوه‌های پایداری در شعر عمر ابوریش. *نشریه ادبیات پایداری*، ۲ (۳ و ۴)، ۵۱۹-۵۴۴.
- میرزایی، محمدسعید (۱۳۹۳). حماسه دینی چهار خیابان باغ فردوس و ارتباط آن با شاهنامه فردوسی. *فصلنامه بهار ادب*، ۷ (۲)، ۲۱۳-۲۳۱.
- نصراوی، محمد (۱۳۹۴). درآمدی بر گفتمان‌کاوی تاریخی؛ مطالعه موردی، خطبه حضرت زینب در شام. *مجله مطالعات قرآن و حدیث*، (۱۹)، ۱۶۹-۲۳۰.
- نظری‌منظم، هادی (۱۳۸۹). ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه‌های پژوهش. *ادبیات تطبیقی*، ۱ (۲)، ۲۲۱-۲۳۸.
- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۰). *هجو در شعر فارسی (نقد و بررسی شعر هجوی از آغاز تا عصر عیید)*. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران و دانشگاه کاشان.
- یاوری، سحر (۱۳۹۰). آگاهی بخشی در نهضت حسینی. *مجله بازتاب اندیشه*، (۱۱۷)، ۷۱-۱۰۲.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة العاشرة، العدد ٤ (٤٠)، شتاء ١٤٤٢، صص. ١-٢٢

قراءة في خطب العقيلة زينب المقاومة وشعر إلهامي العاشورائي

غلامرضا حيدري^١

طالب الدكتوراه في فرع اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران

خليل بيگزاده^٢

أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران

الibas نورائي^٣

أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران

القبول: ١٤٤١/٥/٢٣

الوصول: ١٤٤٠/٣/٢٤

الملخص

الخطب التي ألقتها العقيلة زينب في الشام والكوفة أمام الحاكم الأموي حافلة بمعاني المقاومة والتي تركت تأثيراً هاماً على ديوان شاهد نامه إلهامي کرمانشاهي. والملفت في شعر إلهامي أنه استخدم فيه معاني الصمود والمقاومة المستمدة من خطب السيدة زينب المقاومة مستخدماً فيها الأساليب البلاغية المتمركزة على فنون التشبيه. ثم أنه اعتمد المصادر الموثوق فيها عند نقله كلمات السيدة زينب (س) ووصفه مشاهد عاشورائية موهلة من كربلاء إلى الشام. يرمي بحثنا الحاضر إلى دراسة مضامين المقاومة الواردة في الخطب الزينية و أثرها على شاهد نامه إلهامي بناء على نظرية الأدب المقارن الإسلامي ومشتراكاتها الثقافية والدينية للمسلمين والقائم على التأثير التاريخي المتبادل واعتماداً على النهج الوصفي - التحليلي. ومن أهم النتائج التي توصلنا إليها في هذا المقال هي أن أبرز معاني المقاومة المتواجدة في كلمات العقيلة زينب (س) هي الصمود والوعد بانتصار الحق على الباطل والأمل في الثأر من قتل كربلاء، ومواجهة الضيم والاحتجاج على الظلمين وتوجيه اللوم إلى أهل الكوفة ومناضلة الحكام الجائرين وثقافة الاستشهاد والصمود أمام الظلمين وغير ذلك من المعاني التي نوه إليها إلهامي الكرمنشاهي في شعره وتأثر بها إيمًا تأثير.

المفردات الرئيسية: الأدب المقارن، أدب الصمود و المقاومة، الشعر العاشورائي، العقيلة زينب (س)، إلهامي الكرمنشاهي.